

بیش از سایر حوزه‌ها باشد؛ به این معنا که بحران کرونا سبب آغاز ملی‌گرایی اقتصادی خواهد شد.

### ۳. جمع‌بندی

پس از بحران مالی سال ۱۹۹۷ در کشورهای شرق آسیا، بحران جهانی کرونا را باید دومین نقطه عطف بزرگ در ارتباط با جهانی شدن دانست که سبب طرح بحث‌های متعددی راجع به این پدیده شده است؛ با این تفاوت که بحران سال ۱۹۹۷ سبب طرح بیش از پیش جهانی شدن بود و امکان ظهور و ادامه حیات دولت‌های توسعه‌گرا را در معرض تردید جدی قرار داد؛ اما این بار با بحران کرونا و اثبات نشدن مفروضات جهانی شدن، بیش از پیش امکان ظهور دولت‌های توسعه‌گرا، آن‌هم در شرایط جهانی شدن فراهم شده است. به عبارت دقیق‌تر، هر چند در حادثه نخست هم برخی صاحب‌نظران در صحت روایت و اعتبار دیدگاه طرف‌داران افراطی جهانی شدن نقد جدی داشتند و معتقد بودند که باز کردن دروازه‌های کشورها به روی جهانی شدن فی‌نفسه فرصت‌ساز نیست، بلکه فرصت‌سازی جهانی شدن وابسته به توسعه «ظرفیت‌های نهادی» کشورها، اولویت درون‌گرایی در مدیریت اقتصاد ملی در عین برون‌گرایی، بهبود کیفیت حکمرانی و... است.

امروزه بعد از گذشت بیش از دو دهه، صحت و اعتبار دیدگاه منتقدان درباره جهانی شدن بیش از پیش تقویت شده است؛ به این معنا که اگر جهانی شدن یک واقعیت محیطی است، توسعه و گسترش جهانی شدن به هیچ‌وجه به معنای حذف درون‌گرایی، دقت در حفظ استقلال کشورها، تلاش برای مصون‌سازی خود از تبعات احتمالی جهانی شدن و پرهیز از ادغام کامل در فرایندهای جهانی شده و... نیست.

به عبارت دقیق‌تر، بحران کرونا سبب تعدیل مفروضات افراطی جهانی شدن خواهد شد و بار دیگر، اهمیت خوداتکالی، حفظ استقلال ملی و پرهیز از ادغام بی‌چون‌وچرا در فرایند جهانی شدن را به همه، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه چون ایران گوشزد می‌کند؛ بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت وقوع حوادث مشابهی چون کرونا در آینده، سرنوشت کشورهای درحال توسعه بیش از هر عاملی در گرو تقویت درون، روی آوردن به ظرفیت‌های داخلی و کاهش ضریب تأثیرپذیری خود از امواج جهانی است.

### بحران یا اپیدمی کرونا، حداقل به لحاظ نظری و گفتمانی، در اعتبار جهانی شدن به عنوان پارادایم حاکم بر توسعه خلل ایجاد کرده است. بر این اساس، احتمال داده می‌شود که از این به بعد، کشورها بیش از گذشته درصدد روی آوردن به درون و تلاش برای ارتقای درجه استقلال خود در نظام بین‌الملل باشند.

در حوزه فنی و تکنولوژیک از وقوع انقلاب صنعتی سوم سخن گفته می‌شود و تحولاتی اساسی در حوزه ارتباط، مصرف و اطلاعات به همراه آورده است. در حوزه اقتصادی، مفروض اساسی این است که دیگر فرایندهای مالی و اقتصادی در سطح ملی نمی‌توانند تابع سازوکارهای داخلی و تصمیم‌گیری‌های دولت باشند. در نتیجه، کنترل دولت ملی بر اقتصاد ملی به نحو فزاینده‌ای معنای خود را از دست می‌دهد و عناصر اصلی سیاست‌های اقتصادی و مالی، جهانی می‌شوند. از لحاظ سیاسی عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی بر فراز دولت‌های ملی در سطح جهانی رو به گسترش است که غایت آن دموکراتیزه شدن نظام‌های سیاسی است. در سطح فرهنگی نیز با ظهور جامعه مدنی بین‌المللی مواجهیم؛ در جامعه مدنی بین‌المللی به مسائل و موضوعاتی توجه می‌شود که از حدود توانایی و دید دولت‌های ملی فراترند. به عبارتی، در این شرایط، روابط فراملی جایگزین روابط بین‌الملل شده است. در مجموع، به باور طرف‌داران جهانی شدن، دیگر دولت‌های ملی به راحتی نخواهند توانست برخلاف مسیر تحولات سیاسی و فرهنگی جهان تصمیم‌گیری کنند.

درباره تأثیر بحران کرونا بر وجوه چهارگانه جهانی شدن باید گفت که بحران کرونا بر جهانی شدن از بعد فنی و تکنولوژیکی تأثیری نخواهد داشت؛ همان‌گونه که علم و تکنولوژی همواره پدیده‌هایی جهانی بوده‌اند، اما در سایر ابعاد جهانی شدن، تغییراتی ایجاد خواهد شد. در این میان احتمال داده می‌شود که میزان و شدت تغییرات در بعد اقتصادی

بین‌المللی متکی باشد، کشوری چون جمهوری اسلامی ایران باید ضعیف‌ترین کشور در مقابله با کرونا باشد؛ چراکه چندان جهانی نشده است و اتفاقاً با محدودیت‌های جدی برای استفاده از امکانات جهانی شدن مواجه است؛ از جمله اینکه چندین مرتبه با درخواست عضویت این کشور برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) مخالفت شده یا با شدیدترین نظام‌های تحریمی (اولیه و ثانویه) در سطح نظام بین‌الملل مواجه است. حال آنکه کارنامه عملکرد ایران در مقابله و کنترل کرونا و ویروس کارنامه موفق بوده و سازمانی بهداشت جهانی (WHO) چندین بار از تلاش‌ها و اقدامات مؤثر آن تقدیر کرده است.

بنابراین بحران یا اپیدمی کرونا، حداقل به لحاظ نظری و گفتمانی، در اعتبار جهانی شدن به عنوان پارادایم حاکم بر توسعه خلل ایجاد کرده است. بر این اساس، احتمال داده می‌شود که از این به بعد، کشورها بیش از گذشته درصدد روی آوردن به درون و تلاش برای ارتقای درجه استقلال خود در نظام بین‌الملل باشند. به عبارت دقیق‌تر، با توجه به تحول صورت‌گرفته، محتمل است که جهان روندی از تشدید ملی‌گرایی یا تعدیل میل به جهانی شدن را در دوره پس از کرونا تجربه کند.

به این ترتیب کرونا در وجه گفتمانی جهانی شدن تغییر ایجاد می‌کند؛ اما وجه ابزاری و ارتباطی جهانی شدن تغییر چندانی نخواهد کرد و احتمالاً همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. در واقع، جهانی شدن که اکنون به گسترده‌ترین و عمیق‌ترین حالت خود درآمده، بیشتر در اثر تحول حوزه ارتباطات و انقلاب دیجیتال ایجاد شده است و توسعه استفاده از امکانات دیجیتال اکنون بیش از هر زمان دیگری گسترش یافته است. اکنون با توجه به سهولت این امکان و نیازهای بشر به آن، همان‌گونه که جوزف نای نیز گفته است، بسیار بعید به نظر می‌رسد که در میزان استفاده از این قبیل امکانات جهانی شدن تغییری ایجاد شود. به عبارتی، اگر به بیان ساده، جهانی شدن را امکان اتصال و ارتباط نقاط مختلف جهان با هم در نظر بگیریم، کرونا باشد یا نباشد، تحولی در آن ایجاد نخواهد شد.

در جمع‌بندی این بخش باید گفت جهانی شدن در چهار حوزه «فنی و تکنولوژیک»، «اقتصادی»، «سیاسی» و «فرهنگی» متجلی شده است که به ترتیب